

قسمت اول

صادرات غیر نفتی و ۵۰ سال برنامه ریزی اقتصادی

نعمت‌الله متین

عضو هیأت علمی و معاون پژوهشگاه تعلیم و تربیت

مقدمه

«اقتصاد ایران از گذشته‌های دور و از زمانی که نفت جایگاهی برای کسب درآمدهای ارزی بدست آورد، اقتصادی بر مبنای اصول تک محصولی بوده است. در بین درآمدهای دولت دو شاخص متوسط سهم ۴۸ درصدی درآمدهای نفتی و متوسط سهم ۸۲ درصدی ارز حاصل از صادرات نفت، در مجموع درآمدهای ارزی کشور طی سال‌های اخیر در برنامه دوم، نشان دهنده عمق این وابستگی است»^۱.

حتی امروزه نیز نقش نفت در اقتصاد کشور همچنان ادامه داشته و جهت تأمین کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای همواره نقش اساسی ایفا می‌کند.

در شرایط فعلی که اهداف کمی و کیفی صادرات کالاهای غیر نفتی کشور در طی برنامه سوم توسعه مشخص شده است، آگاهی از نحوه تنظیم استراتژی صادرات در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی و شناخت نقاط ضعف این استراتژی‌ها به منظور تجربه‌اندوزی ضرورتی تام دارد.

با مروری بر تاریخ برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کشور جایگاه و اهمیت صادرات غیر نفتی آشکار خواهد شد و دلایل دست نیافتن به اهداف توسعه صادرات کالاهای غیر نفتی معلوم می‌گردد. بنابراین برنامه‌های اجرا شده در این دوران را مورد

بررسی قرار می‌دهیم.

را متوقف ساخت»^۲.

برنامه اول عمرانی (۱۳۲۷-۱۳۳۴)

«برنامه ۷ ساله اول عمرانی بلافاصله بعد از پایان جنگ دوم جهانی به اجرا گذاشته شد و به دنبال آن دو برنامه ۵ و ۷ ساله دیگر نیز به اجرا درآمد. سال ۱۳۲۷ را می‌توان نقطه رهیافت و آغاز برنامه‌ریزی عمرانی در کشور و ابتدای دوره جدید توسعه نامید.

زیرا در این سال نخستین سند برنامه کشور برای دوره ۷ ساله ۱۳۲۷-۱۳۳۴ همزمان و همسو با تأسیس سازمان برنامه و بودجه به تصویب رسید. این برنامه در شرایط کمبود و ضعف منابع مالی و اعتباری تدوین شد که جایگاه درآمدهای ارزی را نشان می‌داد. هدف اصلی این برنامه، توسعه بخش کشاورزی، شبکه حمل و نقل و خدمات اجتماعی بود. در این برنامه به ترتیب ۲۸ درصد برای امور اجتماعی، ۲۵ درصد برای بخش کشاورزی، ۲۳/۸ درصد جهت ساخت زیربنای حمل و نقل، ۱۴/۳ درصد به منظور توسعه صنایع و معادن در نظر گرفته شده بود و بقیه هزینه‌ها در راستای توسعه صنعت و تسهیلات ارتباطی به مصرف می‌رسید. دو سال اول برنامه مصروف به تأسیس سازمان برنامه و بودجه و ایجاد بعضی صنایع شد و به دنبال آن قطع درآمد نفت، اجرای بسیاری از طرح‌های پیشنهادی

برنامه دوم عمرانی (۱۳۳۴-۱۳۳۴)

برنامه عمرانی دوم همزمان با آغاز دوباره فعالیت در بخش نفت در سال ۱۳۳۲ برای مدت ۷ سال تهیه و به مورد اجرا گذاشته شد. این برنامه به توسعه صنعت، کشاورزی و تأسیسات ساختاری و زیربنایی تأکید داشت که در آن سهم کشاورزی و آبیاری از بودجه مربوط ۳۱/۸ درصد، سهم حمل و نقل و ارتباطات ۳۹/۸ درصد، سهم خدمات اجتماعی ۱۷/۳ درصد و صنعت و معدن ۱۱/۸ درصد بود. طی این دوره در مجموع تولید ناخالص ملی ۳۴ درصد رشد داشت و راه را برای اجرای ۴ برنامه بعدی هموار و فراهم نمود.^۳

برنامه سوم عمرانی (۱۳۴۲-۱۳۴۶)

برنامه عمرانی سوم، بر صنعتی شدن کشور به عنوان استراتژی و ساز و کاری مهم جهت توسعه فراگیر اقتصادی تأکید داشت که در آن، بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در صنایع سبک ترغیب و تشویق شده بود. در طی این برنامه زیربنای صنعتی درون‌گرا بنا نهاده شد که فاقد مزیت نسبی بود که هنوز هم میراث آن در کشور باقی است. کارکرد این برنامه در راستای اهداف

آن نبود زیرا اکثر صنایع، سرمایه بر بودند. هدف اصلی برنامه، مبنی بر بهبود تراز پرداخت‌های خارجی، اتکا به صنایع داخلی و محدودیت واردات کالاهای مصرفی بود که عملاً محقق نشد، بطوری که افزایش و ارتقای درآمد نفت هم، نتوانست از کسری تراز پرداخت‌های خارجی جلوگیری کند.^۴

برنامه چهارم عمرانی (۱۳۴۷-۱۳۵۱)

برنامه چهارم با این هدف تدوین شده بود که از طریق اعمال راهبرد صنعتی شدن به روش جانشینی واردات، ابتدا با تولید مواد اولیه و سپس درآمدهای سرمایه‌ای، اقتصاد ایران را از وابستگی به نفت رها کند اما این هدف هرگز محقق نشد.

برنامه پنجم عمرانی (۱۳۵۲-۱۳۵۶)

برنامه پنجم کمی قبل از افزایش قیمت بین‌المللی نفت آغاز شد. بنابراین با تجدید نظر در ارقام آن، در اواسط کار این برنامه، رقم هزینه‌ای آن به ۳ برابر افزایش یافت. این افزایش موجب شد که سیل کالاهای خارجی به بازار ایران سرازیر شود و بسیاری از کارخانه‌ها را که طی برنامه‌های قبلی به وجود آمده بودند و توان رقابت بین‌المللی نداشتند در وضع ناگواری قرار دهد.^۵

جدول شماره یک، تصویری روشن از عملکرد برنامه‌های اقتصادی کشور و جایگاه صادرات غیرنفتی طی یک دوره ۲۵ ساله را به نمایش می‌گذارد و می‌توان در آن به مقایسه ارقام مربوط به صادرات کالاهای غیرنفتی و صادرات نفت

پرداخت.

در سال‌های دوره ۵۶-۱۳۳۸ اقتصاد کشور مبتنی بر برنامه‌های تدوین شده بود. تنها در سال ۱۳۳۸ صادرات نفت اندکی کمتر از ۹۰ درصد کل صادرات بوده و در

این مسئله را می‌توان نشان دهنده عدم اجرای مناسب برنامه‌ها و فقدان یک استراتژی صحیح صادرات غیرنفتی در برنامه‌های دولت تلقی نمود.^۶ با استقرار نظام جمهوری اسلامی

سال‌های بعد نیز بتدریج با رشد سریع درآمد نفت و رشد نامتناسب درآمدهای ارزی حاصل از صادرات کالاهای غیرنفتی، تا سال ۱۳۵۸ ادامه یافت. ولی با کاهش سریع درآمد صادرات غیرنفتی از این سال به بعد، اهمیت نفت در کل صادرات ایران به طور مستمر افزایش یافت. حتی طی سال‌های ۱۳۵۷ به رغم کاهش صادرات نفتی، اهمیت آن از حدود ۸۵/۵ درصد کل صادرات پایین‌تر نیامد.

به این ترتیب طی دوران ۲۳ ساله ۶۱-۱۳۳۸، میزان صادرات غیرنفتی به سال، هیچگاه از ۱۰ درصد کل صادرات تجاوز نکرد و در آن ۴ سال از ۲۰ درصد نیز بیشتر نشد. در نتیجه نسبت صادرات غیرنفتی به صادرات نفتی، به طور کلی مملو از سیر نزولی بوده و یجز در سال‌های استثنایی همیشه سهم ناچیزی از صادرات را داشته است.

ایران در سال ۱۳۵۷، مجدداً برنامه‌ریزی اقتصادی بر مبنای اهدافی تازه در چارچوب نیازها و دیدگاه‌های جمهوری اسلامی مورد نظر قرار گرفت.

برنامه اول توسعه اقتصادی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور دچار جنگی تحمیلی ناخواسته شد و شرایط اجرای برنامه اقتصادی جامع را با موانعی مواجه ساخت. در این برهه، خساراتی بالغ بر یک هزار میلیارد دلار به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر پیکره اقتصاد کشور وارد شد. پس از اتمام جنگ، نخستین برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی پنج ساله به اجرا درآمد.

جدول ۱- نسبت صادرات نفت به کل صادرات کالاها و خدمات ۱۳۶۱-۱۳۳۸
(به قیمت‌های ثابت به میلیارد ریال و میلیارد دلار و درصد)

سال	کل صادرات	صادرات نفت	درصد	سال	کل صادرات	صادرات نفت	درصد	سال	کل صادرات	صادرات نفت	درصد
۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲
۱۳۳۸	۲۵۱/۱	۲۲۴/۸	۸۹/۵	۱۳۴۶	۶۶۰/۰	۶۲۷/۵	۹۵/۱	۱۳۴۷	۷۵۴/۱	۷۱۵/۳	۹۴/۹
۱۳۳۹	۲۷۶/۹	۲۵۳/۰	۹۱/۴	۱۳۴۸	۸۹۲/۰	۸۵۱/۵	۹۴/۵	۱۳۴۹	۱۱۷۸/۶	۱۱۱۷/۶	۹۴/۸
۱۳۴۰	۳۱۱/۴	۲۸۴/۷	۹۱/۴	۱۳۵۰	۱۰۰۵/۳	۹۵۹/۴	۹۵/۴	۱۳۵۱	۱۳۴۷/۵	۱۲۷۶/۸	۹۴/۷
۱۳۴۱	۳۵۱/۰	۳۲۷/۰	۹۳/۲	۱۳۵۲	۱۰۵۱/۴	۱۴۲۶/۴	۹۵/۰	۱۳۵۳	۱۴۷۸/۰	۱۴۰۴/۲	۹۵/۰
۱۳۴۲	۳۸۶/۵	۳۶۱/۴	۹۳/۵								
۱۳۴۳	۴۳۴/۱	۴۰۷/۱	۹۳/۹								
۱۳۴۴	۵۰۵/۵	۴۷۳/۲	۹۳/۶								
۱۳۴۵	۵۶۸/۰	۵۳۹/۱	۹۴/۹								

(۱) ارقام مربوط به پس از سال‌های ۱۳۵۷، به میلیارد دلار و به قیمت جاری بوده و صادرات گاز نیز به حساب آمده است. مأخذ: ارقام صادرات بدون نفت و صادرات نفتی تا سال ۱۳۵۷ از حساب‌های ملی ایران، ۵۶-۱۳۳۸، (بانک مرکزی ایران، ۱۳۶۰، صفحات ۴۹۲ و ۴۹۳) و سال‌های بعد تا سال ۱۳۶۱ از گزارش اقتصادی و ترازنامه ۱۳۵۹ و ۱۳۶۲، (بانک مرکزی ایران به ترتیب صفحات ۲۱۲ تا ۲۰۰).

۲- افزایش سهم اقتصاد ایران و ارتقاء موقعیت آن در تجارت بین‌المللی و اقتصاد جهانی.
 جهت رسیدن به این اهداف، برنامه‌ها و تصمیمات ذیل در نظر گرفته شده است:
 الف- تهیه تصویب فهرست کالاهای قابل صدور؛ این فهرست برای یک دوره معین و قابل قبول تغییر نخواهد کرد.
 ب- تشویق و توسعه صادرات با ارزش افزوده بالاتر.
 پ- تسهیل مراحل و مقررات اجرایی برای صدور کالا.
 ت- تشویق قراردادهای بیع متقابل، یا مشارکت شرکت‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری و صدور بخشی از کالاهای تولید شده به بازارهای بین‌المللی.
 ث- اتخاذ تدابیر و سازماندهی لازم برای هماهنگ کردن فعالیت‌های چند جانبه، که باید با هماهنگی و همکاری چند دستگاه اجرایی مختلف دولتی انجام شود، ضمناً ضرورت دارد که مراقبت لازم برای خنثی‌شدن فعالیت یک دستگاه توسط دستگاه‌های دیگر به عمل آید.

بخش کشاورزی به عنوان اساس و مبنای توسعه اقتصادی معطوف بود. این برنامه به دلیل نوسانات حاکم بر قیمت نفت در بازارهای جهانی و عدم توفیق کامل دولت در اجرای بهینه طرح‌های خصوصی‌سازی و اصلاح ناکارآمد شرکت‌های دولتی و سایر مسائل با توفیق کامل مواجه نشد، اما در زمینه‌های معینی از برنامه‌های زیر بنایی عمرانی کشور پیشرفت‌های نسبتاً خوبی حاصل شد.^۷
برنامه سوم توسعه اقتصادی- اجتماعی (۸۳-۱۳۷۹)

در این برنامه جایگاه توسعه صادرات غیرنفتی تحت عنوان جهش صادرات غیرنفتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. صادرات کالاها و خدمات از جمله اولویتهای سیاست اقتصادی کشور است و صادرات غیرنفتی، می‌بایست با اهداف ذیل مدنظر قرار گرفته و گسترش یابد:
 ۱- کمک به ارتقاء کیفی و بهبود مدیریت کالاها و خدمات واحدهای تولیدی صنعتی، کشاورزی و خدماتی، و بدست آوردن توان رقابت با کالاها و خدمات خارجی،

در این برنامه، رشد تولید ناخالص ملی اقتصاد کشور بطور میانگین ۷/۷ درصد ارزیابی شد که پس از سال‌ها رکود اقتصادی، دستاورد نسبتاً مثبتی محسوب می‌شد. در این برنامه بیشترین توجه به امور زیربنایی معطوف گشت. در اواسط برنامه به دلیل بروز جنگ خلیج فارس قیمت نفت تا بشک‌ای ۲۵ دلار افزایش یافت و درآمد ارزی کشور از میزان پیش‌بینی برنامه فراتر رفت، ولی متأسفانه واردات بیش از حد کالاهای مصرفی موجب شد که کشور در پایان برنامه دچار کسری تراز پرداخت‌های ارزی شود. این امر، نشانگر عدم رشد صادرات کالاهای غیرنفتی و تداوم اقتصاد مبتنی بر درآمد نفت بود.

برنامه دوم توسعه اقتصادی- اجتماعی (۱۳۷۸-۱۳۷۴)

پس از پایان برنامه پنج ساله اول توسعه در سال ۱۳۷۲ می‌بایست برنامه دوم از سال ۱۳۷۳ آغاز شود. اما متأسفانه به دلیل برخی مشکلات و چالش‌های موجود این امر تحقق نیافت. لذا برنامه دوم رویکرد اصل دولت، بر محور قرار دادن

جدول شماره ۲- صادرات نفتی و غیرنفتی (۱۳۶۱-۱۳۷۷)

سال	صادرات نفتی (میلیون دلار)	صادرات غیرنفتی (میلیون دلار)	جمعیت (میلیون دلار)	صادرات نفت سرانه (دلار بر نفر)	صادرات غیرنفتی سرانه (دلار بر نفر)
۱۳۶۱	۲۱۷۹۸	۲۸۴	۴۲/۴۲۰	۵۱۴	۷
۱۳۶۲	۲۱۱۵۰	۳۵۷	۴۴/۰۷۷	۴۸۰	۸
۱۳۶۳	۱۶۷۲۶	۳۶۱	۴۵/۷۹۸	۳۶۵	۸
۱۳۶۴	۱۳۷۱۰	۴۶۵	۴۷/۵۸۷	۲۸۸	۱۰
۱۳۶۵	۶۲۵۵	۹۱۶	۴۹/۴۴۵	۱۳۶	۱۸
۱۳۶۶	۱۰۷۵۵	۱۱۶۱	۵۰/۶۶۲	۲۱۲	۲۳
۱۳۶۷	۹۶۷۳	۱۰۳۶	۵۱/۹۰۹	۱۹۶	۲۰
۱۳۶۸	۱۲۰۳۷	۱۰۴۴	۵۳/۱۸۷	۲۲۶	۲۰
۱۳۶۹	۱۷۹۹۳	۱۳۱۲	۵۴/۴۹۶	۳۳۰	۲۴
۱۳۷۰	۱۶۰۱۲	۲۶۴۹	۵۵/۸۳۷	۲۸۷	۴۷
۱۳۷۱	۱۶۸۸۰	۲۹۸۸	۵۶/۶۵۶	۲۹۸	۵۲
۱۳۷۲	۱۴۴۴۴	۳۷۴۷	۵۷/۴۸۸	۲۴۹	۶۵
۱۳۷۳	۱۴۶۰۳	۴۸۳۱	۵۸/۳۳۱	۲۵۰	۸۳
۱۳۷۴	۱۵۱۰۳	۳۲۵۷	۵۹/۱۸۷	۲۵۵	۵۵
۱۳۷۵	۱۹۲۷۱	۳۱۲۰	۶۰/۰۵۵	۳۲۰	۵۲
۱۳۷۶	۱۵۴۷۴	۳۰۴۲	۶۰/۹۵۵	۲۵۴	۵۰
۱۳۷۷	۹۹۴۸	۳۰۲۵	۶۱/۸۷۰	۱۶۰	۴۹

مأخذ: سازمان تحقیقات «اقتصاد ایران»^۸

* - ارقام از سال ۱۳۷۷ برآورد شده است (محاسبه از سال ۱۳۶۱ منظور گردید).

صادرات غیرنفتی از بخش‌هایی بوده که در گذشته هرگز به آن اهمیتی داده نمی‌شد و در تأمین نیازهای ارزی کشور هیچگاه نتوانست نقش مهمی را ایفا نماید. مهمی را ایفا نماید. تکیه به درآمدهای نفتی و باز بودن بازارهای مصرف طی سالیان متمادی، مانع از چاره‌اندیشی جهت افزایش صادرات غیرنفتی و ایجاد تنوع در ترکیب آن به نحو اساسی بوده است.

داده نمی‌شد و در تأمین نیازهای ارزی کشور هیچگاه نتوانست نقش مهمی را ایفا نماید.

تکیه به درآمدهای نفتی و باز بودن بازارهای مصرف طی سالیان متمادی، مانع از چاره‌اندیشی جهت افزایش صادرات غیرنفتی و ایجاد تنوع در ترکیب آن به نحو اساسی بوده است. بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ صادرات غیرنفتی بطور متوسط ۲۱ درصد نیازهای ارزی مربوط به واردات را تأمین می‌کرد. در خلال سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۲ این نسبت به ۲۶ درصد تقلیل یافت. در این زمان با افزایش شدید درآمد ارزی کشور از طریق صدور نفت این رقم از ۲/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۱ به ۵ میلیارد دلار در سال ۵۲ و ۸/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۳ رسید. با از میان رفتن اهمیت صدور

به شروع برنامه، افزایش چندان زیادی نشان نمی‌دهد، اما صادرات نفت سرانه در پایان دو برنامه یعنی در سال ۱۳۷۷ نسبت به صادرات غیرنفتی سرانه، سه برابر می‌باشد که این خود نشان‌دهنده میزان وابستگی درآمد ملی کشور به نفت می‌باشد. با اینکه صادرات غیرنفتی از مزیت مناسبی برخوردار نیست، با کمی دقت در ارقام این نوع از صادرات، طی یک دوره ۵ ساله (۱۳۷۷-۱۳۷۲) متوجه می‌شویم که این صادرات، از ۳۷۴۷ میلیون دلار در سال ۱۳۷۲، به ۳۰۲۵ میلیون دلار در سال ۱۳۷۷ کاهش یافته است. به عبارتی طی این دوره پیشرفت و تأثیر چندانی در توسعه صادرات به چشم نمی‌خورد.^۹

صادرات غیرنفتی از بخش‌هایی بوده که در گذشته هرگز به آن اهمیتی

برای ارائه تصویری روشن از عملکرد برنامه‌های اقتصادی کشور و جایگاه صادرات غیرنفتی، طی سال‌های (۱۳۶۱-۱۳۷۷)، یعنی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، می‌توان در چارچوب برنامه‌های اول و دوم توسعه با توجه به جدول شماره ۲، ارقام مربوط به صادرات غیرنفتی سرانه این دوره را با یکدیگر مقایسه نمود.

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که درآمد حاصل از صادرات نفتی در سال ۱۳۶۸ مبلغ ۱۲۰۳۷ میلیون دلار بوده است و در مقابل صادرات غیرنفتی بر ۱۰۴۴ میلیون دلار بالغ شده است. در سال ۱۳۷۷ تقریباً همزمان با پایان برنامه دوم، صادرات نفتی به ۹۹۴۸ میلیون دلار و در مقابل صادرات غیرنفتی، به مبلغ ۳۰۲۵ میلیون دلار می‌رسد، اگر چه میزان صادرات غیرنفتی نسبت

جدول شماره ۳- نتایج ۵۰ سال تجارت جهانی

معیار	واحد	۱۹۴۸	۱۹۹۸	متوسط نرخ رشد سالانه ۱۹۴۸-۹۸
صادر ات کالاها و خدمات جهانی	میلیارد دلار	۵۸	۵۲۳۵	۹/۴۲
صادرات سرانه مردم جهان	دلار	۲۴	۸۷۶	۷/۴۶
صادرات کالاهای صنعتی	میلیارد دلار	۲۲	۳۹۹۵	۱۰/۹۶
صادرات کالاهای غیرنفتی	میلیارد دلار	۳۶	۱۲۴۰	۷/۳۴
تولید کل جهان	میلیارد دلار	۴۵۰۰	۲۹۲۳۶	۳/۸۱
تولید سرانه جهان	دلار	۱۹۵۸	۴۸۹۴	۱/۸۵
نسبت صادرات به تولید در جهان	درصد	۱/۲۹	۱۷/۹۱	۵/۴۰

افزایش یافته، صادرات کالاها و خدمات سالانه به میزان ۹/۴۲ درصد سیر صعودی داشته است. مقایسه اعداد و ارقام جدول فوق با آنچه که در جدول شماره ۱ و ۲ آمده است نشان دهنده سهم و جریان کند و ناچیز صادرات کالاهای غیرنفتی در اقتصاد کشور است.^{۱۲} ■

ادامه دارد.

پاروقی‌ها:

- ۱- ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌الملل «اقتصاد ایران» سال اول ۱۳۷۸، شماره نهم، ص ۱۰
- ۲- ابرار اقتصادی، «تاریخ و برنامه‌های توسعه اقتصادی ایران» علیرضا احمدی، پنج شنبه ۶ اسفند ماه ۱۳۷۷، ص ۳
- ۳- همان؛ ص ۸
- ۴- ابرار اقتصادی، شنبه ۸ اسفند ماه ۱۳۷۷، ص ۵
- ۵- همان؛ ص ۵
- ۶- ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران، انتشارات نی، ۱۳۶۷، صص ۶۱۱ و ۶۱۲
- ۷- ابرار اقتصادی، «تاریخ و برنامه‌های توسعه اقتصادی ایران»، علیرضا احمدی، ۸ اسفند ماه ۱۳۷۷، ص ۶
- ۸- ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌الملل «اقتصاد ایران» سال اول ۱۳۷۸، شماره نهم، ص ۳۹
- ۹- پیام صادرات، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۲، شماره ۷ و ۸، ص ۱۷
- ۱۰- ابرار اقتصادی، «استراتژی نوین توسعه صادرات غیرنفتی»، اسماعیل کریمی دردشتی، یکشنبه ۱۸ مهر ۱۳۷۸، ص ۵
- ۱۱- همان؛ ص ۵
- ۱۲- پیشین؛ ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌الملل «اقتصاد ایران»، سال اول ۱۳۷۸، شماره ۱۲، ص ۲۸

منبع: WB, VN, IMF, GATT, WTO

را در دهه قبل و دو دهه بعد از انقلاب (۱۳۷۷) قابل ملاحظه دانست؟

میزان متوسط سالانه صادرات غیرنفتی در سال‌های دهه قبل از انقلاب تا سال ۱۳۵۷ و سال‌های دهه اول و دهه دوم بعد از انقلاب تا سال ۱۳۷۷ به ترتیب ۰/۳، ۰/۶ و ۲/۹ میلیارد دلار بوده است و براساس این ارقام مقدار صادرات غیرنفتی در دو دهه اخیر به میزان ۱۰ برابر افزایش یافته است.^{۱۱} این میزان افزایش، با توجه به رشد جمعیت (جدول شماره ۲)، میزان تورم، حجم رشد صادرات در سایر کشورها و افزایش واردات نمی‌توان چندان قابل ملاحظه تلقی کرد. در این خصوص بی‌مناسبت نیست به نتایج ۵۰ سال تجارت جهانی و رشد صادرات کالاهای غیرنفتی در فاصله سال‌های ۱۹۴۸-۱۹۸۸ اشاره کنیم.

پنجاه سال تجارت جهانی از ایجاد گات در سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۹۸ با روندهای خارق‌العاده‌ای در تولید و تجارت همراه بوده است. امروزه تولید سرانه جهان بیش از دو برابر و نیم پنجاه سال گذشته است. با آنکه تولید کل جهان به طور متوسط سالانه ۳/۸ درصد

کالاهای غیرنفتی طی سال‌های ۵۳ تا ۱۳۵۷، سهم صادرات غیرنفتی در تأمین نیازهای وارداتی کشور به کمتر از ۵ درصد رسید.

در برنامه اول توسعه، صادرات غیرنفتی از ۱/۰۴ میلیارد دلار در سال اول برنامه (۱۳۶۸) با رشد سالانه ۸/۸ درصد به ۳/۷۵ میلیارد دلار در پایان برنامه (سال ۱۳۷۲) افزایش یافت و درآمد ارزی در این دوره به حدود ۱۱/۷۴ میلیارد دلار رسید.

در برنامه دوم توسعه، صادرات غیرنفتی از ۴/۸۲ میلیارد دلار در سال اول برنامه (۱۳۷۳)، با کاهش متوسط سالانه ۸ درصد، به ۳/۰۲ میلیارد دلار در پایان سال برنامه دوم (۱۳۷۷) رسید و جمع درآمد ارزی این دوره بالغ بر ۷/۱۲ میلیارد دلار شد. در اینجا ذکر این نکته قابل توجه است که پیش‌بینی درآمد ارزی در این دوره از محل صادرات غیرنفتی، معادل ۲۸ میلیارد دلار با رشد متوسط سالانه ۸/۴ درصد برآورد شده بود که در واقع با کسب درآمد ارزی ۱۷/۱۲ میلیارد دلار در این دوره، تنها معادل ۶۱ درصد از پیش‌بینی تحقق یافت.^{۲۱}

آیا می‌توان صادرات غیرنفتی